

از این رو باید به دنبال راه دیگری بود اما نه راهی که ایران را در مقابل جامعه بین الملل قرار دهد. (سوم) آمریکایی ها پس از گذشت چند سال از حمله به عراق، هنوز نتوانسته اند از این کشور رهایی یابند. این وضعیت، فرصتی تاریخی برای ایران است که می تواند با اتکا بر نفوذ و قدرت خود در منطقه و عراق به پای میز مذاکره با آمریکا برود. ایران بی تردید با استفاده از این امتیاز می تواند در خاورمیانه با آمریکا موازنه برقرار کند و از موهبت این موازنه به حل مساله هسته ای خود بپردازد. تامین این هدف البته «سیاست خارجی هوشمندانه و هنردستگاه دیپلماسی» را می طلبد. (چهارم) ایران در وضعیت کنونی تنها باید در اندیشه ارجاع پرونده هسته ای از شورای امنیت به سازمان بین المللی انرژی اتمی باشد. این اتفاق در نهایت باید باعث شود که تنها آژانس اتمی طرف مقابل پرونده هسته ای ایران قرار گیرد.

آنچه که دولت هشتم تحت عنوان مذاکرات با ۳ کشور اروپایی انجام داد، نه تنها ایران را از زورگویی های آمریکا نجات نداد، بلکه باعث شد دستگاه دیپلماسی خاتمی، غفلتاً سازمان بین المللی انرژی اتمی را به حاشیه براند. این اتفاق در نهایت سبب شد که ۳ کشور اروپایی تبدیل به گروه ۵+۱ شوند تا با فشارهای خود مسیر پرونده هسته ای ایران را از آژانس به سوی شورای امنیت تغییر جهت دهند. در زمان فعلی نیز دولت نهم نباید این اشتباه را تکرار کند. آنچه که منوچهر متکی تحت عنوان افزایش طرف های مذاکرات هسته ای از گروه ۵+۱ به گروه ۵+۵ مطرح می کند، وضعیت را برای ایران ساده تر نخواهد کرد که حتی می تواند باعث بروز مسایل پیچیده تری نیز شود. پنجم) برای کاستن از نگرانی ها، ایران چاره ای جز اتخاذ سیاست تنش زدایی ندارد. آمریکا و غرب دقیقاً در پی این هستند که با جنجالی شدن مساله هسته ای ایران، با مشکلات کمتری برای اعمال تحریم ها و گسترش اجماع جهانی روبه رو باشند. بنابراین هر چه فضای پرونده هسته ای ایران جنجالی تر شود، به همان میزان قدرت دفاع از حقوق هسته ای کاهش می یابد. بر این اساس باید تلاش شود تا از اتخاذ مواضعی که باعث پیچیده تر شدن مساله هسته ای می گردد، خودداری شود. بی شک، در یک فضای آرام و منطقی است که می توان دنیا را به صلح آمیز بودن برنامه هسته ای کشور قانع نمود.

کشور هاست. در روابط بین الملل نه اعتماد و عواطف انسانی بلکه هنر دیپلماسی است که قدرت تضمین و تامین منافع هر کشور را دارد. روسیه و چین به سبب منافعی که در ایران دارند همیشه کوشش کرده اند در قامت متحد استراتژیک ایران در عرصه بین الملل به ایفای نقش بپردازند. این بازیگری اما هرگز بیشتر از یک تاکتیک برای تامین منافع شان در داخل ایران نبوده است. این تاکتیک تازمانی از درجه اعتبار ساقط نیست که با منافع آمریکا و البته مصالح بین المللی و منافع داخلی روسیه و چین در تعارض نباشد. علاوه بر این، روسیه و چین از دوستی با ایران به عنوان یک فرصت برای حل مسایل خود با آمریکا نیز بهره می برند.

دوم) دستیابی به انرژی صلح آمیز هسته ای، هنجار مشترک «ایران، اروپا، آمریکا و آژانس بین المللی انرژی اتمی» است. ایران می تواند با تکیه بر این هنجار مشترک، از آن به عنوان خط قرمزی استفاده کند که خدشه ناپذیر است. گمان اینکه با تعلیق غنی سازی اورانیوم، آمریکا و اروپا در برابر ایران کوتاه خواهند آمد، تصویری غیرواقعی است. ایران اکنون با دو تجربه «کره شمالی و لیبی» روبه رو است. کره شمالی در تقابل با جامعه بین الملل توانست برخلاف خواسته های آمریکا در پروژه هسته ای خویش به پیشرفت هایی دست یابد اما این کشور اکنون با فشارهای آمریکا در عرصه بین الملل منزوی شده است. حتا تصمیم اخیر مقامات کره شمالی مبنی بر توقف فعالیت های هسته ای نیز تاثیر زیادی بر بهبود وضعیت کره در نزد کشورها به جای نگذاشته است.

از آنسو لیبی نیز با پذیرفتن مشوق های آمریکا و اروپا، همه فعالیت های هسته ای اش را متوقف و تاسیسات اتمی خود را نابود ساخت. لیبی اما در مقابل، هیچ چیز دریافت نکرد.

آشکار است اگر ایران از برنامه هسته ای خود چشم پوشی کند، قرار نیست آمریکا و اروپا با حسن نیت در مقابل، ایران را از مشوق های خود بهره مند کنند. همانگونه که پیش از این و در هنگام ریاست جمهوری خاتمی نیز تعلیق غنی سازی نتوانست در نهایت برای ایران سودی در بر داشته باشد. در زمان کنونی نیز تعلیق فعالیت های هسته ای نه تنها نتیجه ای برای ایران در پی نخواهد داشت، بلکه طرف مقابل را برای زیاده خواهی گستاخ تر می کند.

رییس جمهور ایران در جایی دیگر گفته بود: وقت آن رسیده که ملت ایران در مقابل این زورگویی ها بایستد. ملت ایران در دهه فجر امسال جشن بزرگ تثبیت حق هسته ای را برگزار خواهد کرد و قدرتهای زورگور را سر جای خود خواهد نشاند. هر چند که این اتفاق نیفتاد و دهه فجر از جشن هسته ای خبری نشد. البته عدم تحقق وعده احمدی نژاد به نظر می آید به سبب واکنش هایی بود که می توانست از سوی جامعه جهانی در پی داشته باشد.

■ ■ ■

مجموعه رخدادهایی که تا امروز و در جریان پرونده هسته ای ایران به وقوع پیوسته است، باید تجربه ای برای آینده باشد تا از نگرانی های موجود کاسته شود و مسیر پرونده هسته ای ایران در فضایی آرام و به دور از هیجان، به سرانجامی برسد که آرزوی هر ایرانی میهن پرستی است. از این رو باید توجه داشت: یکم) همراهی روسیه و چین در جریان تصویب قطعنامه علیه ایران، آن چیزی نبود که ایران انتظار داشت. شاید از همین رو بود که این دو کشور لازم دیدند برای توضیح موضع گیری های خود، معاونان وزیر امور خارجه کشورشان را روانه تهران کنند. هر چند به تجربه آشکار شده است که روسیه و چین در بزنگاه های سرنوشت ساز و در تقابل آمریکا و ایران، نه تنها ایران را انتخاب نکرده اند، بلکه آنچه انجام داده اند رفتار محترمانه ای از نوع رفتارهای تهدید آمیز آمریکاست. بنابراین انتظار بیهوده ای است اگر تصور شود که روسیه و چین حاضر می شوند یک قدرت هسته ای را در کنار خود بپذیرند و در تقابل ایران و آمریکا به سود ایران وارد عمل شوند.

نمونه عینی آن نیروگاه بوشهر؛ ۱۱ سال است که روسیه قرارداد ساخت این نیروگاه را با ایران به امضا رسانده. بر اساس این قرارداد، نیروگاه بوشهر باید در سال های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ به بهره برداری می رسد اما تا امروز این اتفاق رخ نداده است. ایسا در همین باره با انتشار گزارشی به نقل از یک نشریه فرانسوی نوشت: «نیروگاه بوشهر به سبب هزینه های سرسام آوری که تاکنون داشته است، گران ترین نیروگاه هسته ای دنیا است. مجموعه مبالغی که کشورهای فرانسه، آلمان، چین و روسیه در زمان های مختلف در قبال قرارداد ساخت و راه اندازی نیروگاه بوشهر دریافت کرده اند، نزدیک به ۳ برابر ارزش واقعی این نیروگاه از ابتدا تا کنون است.»

طبق آخرین زمان اعلام شده قرار بود اسفند ۸۵ سوخت هسته ای این نیروگاه از سوی روسیه تامین شود اما روس ها باز به بهانه مشکلات فنی راه اندازی نیروگاه را به شهریور ۸۶ موکول کرده اند. روس ها یا واقعاً از تامین سوخت هسته ای این نیروگاه عاجزند که در این صورت باید بفرصت ها و هزینه های از دست رفته افسوس خورد و یا در پی منافع اقتصادی بیشتری هستند. این دومی البته به واقعیت نزدیک تر است، زیرا در جریان تصویب قطعنامه ۱۷۳۷ علیه ایران، روس ها با لابی های خود نیروگاه بوشهر را از قرار گرفتن در لیست تحریم ها بیرون کشیدند تا بتوانند با «امروز و فردا کردن ها» هم منافع خود را تامین کنند و هم به آمریکا اطمینان خاطر بدهند که در راه اندازی این نیروگاه جدی نیستند.

اگر در قطعنامه سوم هم این نیروگاه از تیغ تحریم مستثنا شود، نباید شگفت زده شد. از آنسو اگر این نیروگاه در لیست تحریم های قطعنامه دوم نیز قرار بگیرد، نشانگر این است که روس ها به واسطه راه اندازی نیروگاه بوشهر آنقدر فریه شده اند که دیگر نیازی به ادامه فعالیت نمی بینند.

واقعیت این است که در روابط بین الملل نمی توان از اعتماد و عواطف انسانی سخن گفت. روابط بین الملل عبارت از گفت و گو و مذاکره برای تامین منافع



● خارج شدن پرونده هسته ای ایران از آژانس بین المللی انرژی اتمی، وضعیت را برای ایران دشوارتر کرد